

داکتر نسرین کتونا

در باره نویسنده : نسرین کتونا شهروند کشور هنگری ، دوکتور علوم نظامی ، شرق شناس ، سابقه کار دیپلماتیک طولانی در کشور های آسیایی و عضو هیات ملل متحد طی سالهای نودم در حل قضیه افغانستان ، مولف چند جلد کتاب و صد ها مقاله در مطبوعات به زبانهای مجاری و انگلیسی و روسی میباشد ، شیفتگی اش به مردم وتاریخ افغانستان و آموزشش به زبانهای پشتو و دری انگیزه ان گردیده که این مقاله را که به جایزه اکادمی علوم نظامی کشورش نایل گردیده است ، با اختصار ترجمه نموده و ارایه دهد .



جنگ جلال آباد

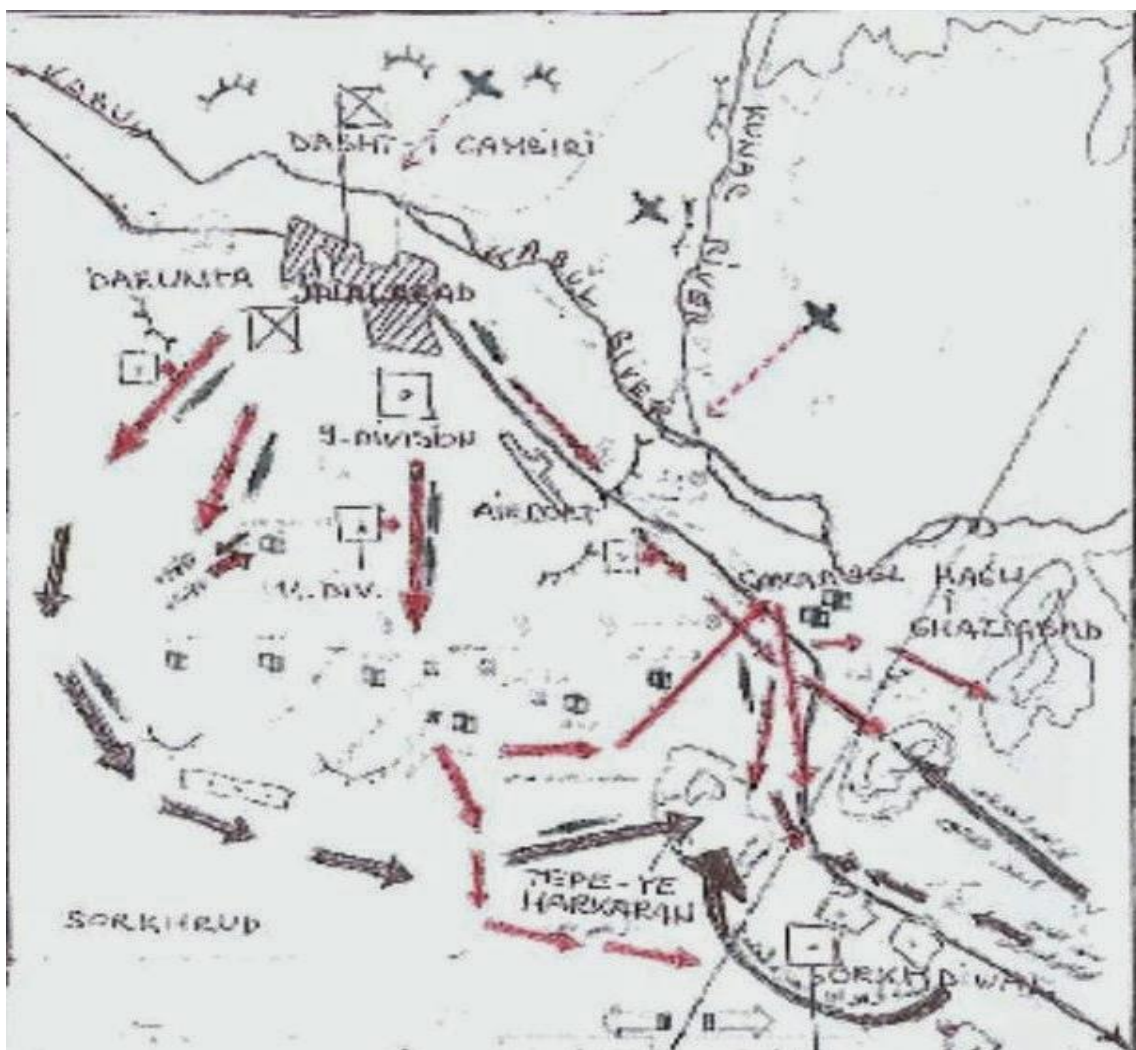
(و آموزش های آن برای خروج مصون قوت های بین المللی بعد از سال ۲۰۱۴ از افغانستان)

بخش دوم

موقعیت قطعات در اراضی محاربه در جلال آباد

قرارگاه قولی اردوی نمبر ۱ در قریهٔ ثمرخیل، و قطعات آن در استقامت شرق شهر پل سراچه، خوش گنبد و سرمه خانه جابجا گردیده بود، قطعات اپراتیفی در میدان هوایی داخل موضع دفاعی بودند، جزوتام های فرقه ۹ از ساحهٔ غرب شهر به سمت درونته و ساحهٔ پوهنتون ننگرهار در مواضع

خود به احضارات دفاعی پرداخته بودند. قوت های خاندوی (پلیس) در منطقه سرخورد، و قطعات امنیت دولتی، بین سرخورد و کانکترگی، احراز موقعیت نموده بودند، ساحه مسئولیت فرقه ۱۱ از کانکترگی تا شمال کامه وسعت داشت، قطعات گارد جمهوری در منطقه سرخ دیوار، جابجا گردیده بود. دیپو های سلاح و مهمات در داخل شهر، تحت محافظت قرار داده شده بود. پلیس و سپاهیان وطن حفاظت و مدافعه شهروندان و تاسیسات شهر را در دست گرفته بودند.



موقعیت قطعات و جزواتمهای تدافعی در حمله اول

۲ / ب - حمله اول

محاصره شهر تاریخ پنج مارچ آغاز شد و بیش از چهار ماه تداوم حاصل کرد. حمله بوسیله جنرال حمید گل رئیس پر قدرت " آی اس آی " برنامه ریزی شده بود که بوسیله سران تنظیم های جهادگر

بویژه اعضای حکومت عبوری عمدتاً گلب الدین حکمتیار، رسول سیاف، برهان الدین ربانی، مولوی خالص تطبیق میگردید.

قوت های مهاجم حدود ۱۵ هزار نفر تخمین زده میشود. در تهاجم که تاریخ پنجم مارچ براه انداخته شد، پیشاپیش آن جهادگران سازمان بدنام القاعده به رهبری بن لادن، قطعات منظم پاکستان و واحد های نظامی از صوبه سرحد، افسران و مشاورین "آی اس آی" افراد مسلح تنظیم های جهادی هفت گانه مقیم پشاور، سهم فعال گرفته بودند.

احمد شاه مسعود فرمانده جهادی چریک های دره پنجشیر، علی الرغم آنکه از نماینده سیا، جهت مسدود کردن شاهراه سالنگ، که شاه رگ اکمالاتی رژیم کابل محسوب می شد، مبلغ پنج صد هزار دلار اخذ نموده بود، اما نتوانست علی الرغم چند حمله شاهراه کابل، شمال را که از سوی حکومت داکتر نجیب الله بشدت محافظت می شد قطع نماید، مسعود اصلاً تمایل چندانی به پیروزی مجاهدین در جلال آباد ابراز نمیکرد، زیرا در فردای پیروزی، قدرت در جلال آباد در دستان نیرومند حریفش حزب اسلامی متمرکز میگردید از یکسو به او سهمی دلخواهش میسر نمیگردید، و از جانب دیگر، دوست دیرینش، اتحاد شوروی را که بحکومت کابل مواد لوژستیک کی کمک میکرد، آزرده خاطر میکرد.

بتاریخ ۵ مارچ تعرض از شرق به امتداد دریای کابل بالای شاهراه یک جبهه وسیع گشوده شد. مهاجمین به حمایت آتش های توپچی اردوی پاکستان بحرکت آمدند، سمت اصلی تعرض از تورخم به استقامت فارم غازی آباد آغاز شده بود و مجاهدین سه نقطه حاکم را در کوه سپین غر که بنام ارتفاعات قبله یاد میشود، در عین زمان میدان هوایی در جنوب نیز مورد حمله قرار گرفته و با حمله از شمال به استقامت دریا و دشت گمبیری کوردینه شده بود.

اجیران عربی بن لادن هم به پیشروی آغاز نموده بودند. آنها مصمم ترین و وحشی ترین گروهها بودند که تا آخرین قطره خون می جنگیدند. اسامه بن لادن قهار ترین چهره جهادی (تروریستی) آنها را رهبری میکرد.

مجاهدین افغان و قطعات اردو از صوبه سرحد عساکر قوای سرحدی پاکستان تحت رهبری جنرال حمید گل رئیس "آی اس آی" تحت حمایت آتش های نیرومند توپچی به تعقیب آنها حرکت مینمودند. مجاهدین را رحیم وردک مسئول نظامی محاذ ملی پیر سید احمد گیلانی که فاقد دانش ها و تجربه و مهارت سوق اراده قوت ها در عملیات های محاروبی بود رهبری میکرد.

(او بعداً در حکومت کرزی بحیث وزیر دفاع کار میکرد که در ۵ اکتوبر ۲۰۱۳ خود را بحیث کاندید رئیس جمهور اعلان نمود و به تاریخ ۱۶ مارچ ۲۰۱۴ از کاندیدا انصراف کرد) قوماندان دیگر نیروهای مجاهدین نصیر خان نام داشت. که تهاجم را رهبری میکرد.

طبق معلومات اداره امنیت دولتی رژیم کابل به تعداد یازده هزار مجاهدین، ۲۵۰۰ پاکستانی و ۱۳۰۰ نفر عرب در حمله مذکور سهم گرفته بودند آنها به طور تشدید تحت حمایت آتش های ثقیل قطعات منظم اردوی پاکستان قرار داشتند و بعداً با تصرف یک دستگاه پرتاب BM-21 موجب تخریبات بزرگی شدند صدها راکت در هر ثانیه بالای میدان هوایی و شهر پرتاب می نمودند.

هدف نخستین از استقامت شرق اشغال پایگاه سرخ دیوار بود. محل مذکور هنگامیکه فرقه ۱۱ مورد حمله قرار گرفت به تصرف آنها درآمد. مهاجمین بارک ها و سربازان دولتی را که تسلیم شده بودند و قرارگاه و قطعه مربوط را کاملاً غارت نمودند، سرخ دیوار برای تقریباً یک هفته به دست مهاجمین بود، جنرال گل حبیب معاون قوماندان فرقه ۱۱ به قرارگاه مرکزی در شهر عقب نشینی کرد. مهاجمین ۴ عراده تانک T-52 و T-55 و یک دستگاه راکت انداز BM-21 بدست آوردند، دو عراده تانک به آنطرف خط دیورند انتقال یافت و ۲ عراده دیگر آن بعد از سه روز در جریان تعرض متقابل نیرو های دولتی تخریب گردید. جنرال بارکزی، قوماندان قول اردو شخصاً با شهامت کم نظیری برای کمک به قرارگاه اشغال شده به سرخ دیوار شتافت، لاکن در منطقه پل سراچه به وسیله آتش دشمن جانش را از دست داد. جنرال عمری قوماندان نیرو های پلیس هم دلاورانه از پا در آمد. دشمن جانش را از دست داد. جنرال عمری قوماندان نیرو های پولیس هم دلاورانه از پا در آمد.

یکی از تانک های که تنظیمهای جهادگر در جریان تعرض به غنیمت گرفته بودند در روز دوم حمله، مهاجمین قریه ثمرخیل که در حاشیه میدان هوایی موقعیت داشت و بعد از تقرب مهاجمین، نیرو های دولتی آنجا را تخلیه نموده بودند، به اشغال در آوردند. سربازان دولتی که تسلیم شده بود بوسیله جهاد گرایان (تروریستان) افغانی متعلق به تنظیم های هفت گانه پشاور بطور وحشیانه شکنجه و بقتل رسانیده شدند. آنها در خط دفاعی به اشتباه نیرو های پلیس را ضعیف ترین حلقه میدانستند، بنا برآن تصمیم گرفته بودند تا توجه شان را به نیرو های (اردو) معطوف نموده با دور زدن از استقامت جنوب از کنار قوای پلیس (خارندوی) عبور نموده به سمت درونته خود را برسانند. آنها پلان داشتند که حلقه محاصره شان را بین درونته و دشت گمبیری در شمال غرب وصل کنند.

نیرو های پاکستانی قرارگاه شان را در فارم غازی آباد تاسیس نمودند. (مجاهدین در باغ ممله جمع شدند). ارتفاعات ثمرخیل پایگاه اجیران عرب مربوط بن لادن و امتداد آن تا منطقه تورخم و آنسوی مرز بود.

در روز سوم آصف دلاور قوماندان جبهه نیرو هایش را از جمله فرقه 9 کتر را جمع نمود. ملیشای ازبک تحت رهبری رسول قهرمان دو نقطه ی مرتفع را در «قبله» دوباره بدست آوردند تصرف مجدد سرخ دیوار توسط گارد جمهوری به اصطلاح سهم شیر بود. نقاط جنوبی شهر تا هنوز در دست شورشیان باقیمانده بود.

ختم بخش دوم.

جنگ جلال آباد

بخش سوم

۲ C: تعرض متقابل:

افسران متعهد قول اردوی نمبر یک افغان حاضر نبودند به هیچ قیمت شهر را تسلیم بدهند. آنها قطعات و جزو تام های باقیمانده شان را جمع نموده برای پیشروی یک تعرض متقابل را سازمان داده و مهاجمین را در چنبر یک حلقه در آوردند.

بتاریخ ۸ مارچ با براه افتیدن تعرض متقابل مهاجمین مجبور شدند تا میدان هوایی را از دست بدهند. نیرو های دولتی دارای یک آتش قوی مانند لونا، BM 21, BM-14 بودند. راکت های لونا که نزدیک هده بوسیله پرسنل افغان جابجا شده بود، (و دوباره به سمت غرب در منطقه سروبی عقب کشیده شده بود) و مدافعین جلال آباد را از آنجا در برابر مهاجمین جهاد گرایان دفاع مینمودند.

همچنان مدافعین توپچی نیرو مندی را در اختیار داشتند که با آتش لونا هماهنگ شده و به مهاجمین تلفات سنگینی را وارد آوردند.

سه کندک اسکاد Scud در نزدیک کابل جابجا شده بود. تمام کندک ها ذخیره های لازم خود را بدست داشتند هر سه قطعه با واحد های میترولوژی، تانکر های روغنیات و وسایل قومانده مجهز بودند. تمام آنها در منطقه دارالامان در جنوب کابل جابجا شده بودند.

علی الرغم اتهامات رسانه های غرب که راکت های اسکاد بوسیله شوروی ها استعمال می شد تمام آنها توسط افغان ها مورد استفاده قرار می گرفت.

حکومت افغانستان دستگاه های مذکور را در آستانه خروج نیرو های شوروی در نوامبر ۱۹۸۸ بدست آورده بود از راکت های اسکاد در دفاع از جلال آباد استفاده گسترده صورت گرفته بود و مجاهدین نتوانستند از تخریبات مرگبار آن خود را در امان نگهدارند و مورال جنگی شان را از دست داده بودند. ماشیندار های اورلیکن (Oerliken) ساخت سویس کدام تاثیری به نفع مجاهدین وارد کرده نتوانست.

نیرو های دولتی از حمایت قوی قوای هوایی بهره مند بودند. قوای هوایی افغانستان بر مواضع شورشیان توسط جنگنده های میگ ۲۱، و سو سو-۷ و سو سو-۲۲، حمله می نمودند، هلیکوپترهای MI-34، MI-17، MI-8 که از میدان های هوایی بگرام و خواجه رواش کابل پرواز مینمودند. طیارات ترانسپورتهی AN-12 طوری عیار گردیده بود تا بمب ها را در مراکز تجمع جهاد گران پرتاب نمایند و تلفات و ضایعات سنگینی را بر آنها تحمیل نمایند. مهاجمین بم های کلاستری را وسیعاً بکار میبردند. طیارات دولتی در ارتفاع بلند دور از تیر رس راکت های استینگر مجاهدین پرواز مینمودند.

حلقه محاصره مجاهدین در سرخ رود شکستنده شد و به عقب نشینی پرداختند، تانک های را که مجاهدین در ۴ مارچ از قوای دولتی بدست آورده بودند به سمت تپه خر کاران (Kharkaran) فرار نموده و در اواخر جولای از منطقه کاملاً رانده شدند. طوریکه در بالا اشاره شد دو تانک را مجاهدین به آنطرف خط دیورند انتقال داده بودند. و دو دیگر آن توسط نیرو های دولتی تخریب گردید.

بتاریخ ۱۱ مارچ اجیران عربی بن لادن و قطعات منظم اردوی پاکستان در منطقه غازی آباد تجمع نمودند لیکن مجاهدین بی روحیه و مایوس با آنها نپیوستند. نیرو های دولتی افغان توانستند آنها را قبل از براه اندازی یک تعرض جدید پراکنده و متفرق نمایند.

جنگ‌ها عمدتاً بالای دفاع استراتژیک از شاهراه‌ها تمرکز یافته بود. نیروهای مسعود و جنگ‌جویان شورای نظار شاهراه سالنگ را که شمال را به جنوب کشور وصل میکرد علی‌الرغم راه‌اندازی حملات متعدد نتوانسته بودند مسدود نمایند، شوروی‌ها مسعود را نه می‌گذاشتند تا در محاصره جلال‌آباد در انجام کدام حمله سهم بگیرد. مسعود در اوایل سال ۱۹۸۰ توافقاتی را با شوروی انجام داده بود و از همین رو عنان مسعود و گروهش در دست اداره امنیتی شوروی قرار داشت.

استینسن (Stenensen) نوشته است که مسعود خطوط اکمالاتی دولتی را در مناطق تحت نفوذ خود بخاطر رفع محاصره جلال‌آباد نسبت سرازیر شدن بیشترین کمک‌ها بوسیله ISI پاکستان به گلبدین حکمتیار انتقال می‌افت، باز گذاشته بود، جنرال سید قدوس سید، در کتاب «جنگ‌های کابل» نوشته است که پیروزی مجاهدین در جلال‌آباد در حقیقت پیروزی حزب اسلامی حکمتیار رقیب مسعود را به نمایش می‌گذاشت، شماری از محققین، بنابر آنکه مسعود نتوانست شاهراه سالنگ را مسدود نماید این عمل او را خیانت به جهاد تلقی میکردند، تمام منابع موافقند که اگر شاهراه مسدود می‌بود دفاع جلال‌آباد خیلی دشوار می‌بود، برداشت یا ارزیابی نیروهای دولتی درست بود:

در صورتیکه شاهراه باز باشد، مجاهدین به اهداف شان یعنی اشغال جلال‌آباد نایل شده نخواهند توانست، مجاهدین مابین‌های در شاهراه کابل-جلال‌آباد گذاشته و میتوانستند خساراتی را وارد نمایند ولی نه میتوانستند یک تعرض هماهنگ را برای تصرف آن برآوردند. در ۲۵ مارچ یک قطار اکمالاتی ۱۰۰ عراده‌ای به شهر جلال‌آباد مواصلت نمود و به تعقیب آن قطارهای دیگر که بزرگترین آن در ۱۴ اپریل یک قطار ۲۷۰ واسطه که حامل مواد لوژستیکی سلاح، مهمات بود شاهراه را عبور نمود. عبور قطارهای مذکور صرفاً اهمیت لوژستیکی نداشت بلکه مورال جنگی مدافعین جلال‌آباد را قویاً ارتقا میداد، اگر مهاجمین موفق به تصرف شاهراه میشدند، دفاع جلال‌آباد امکان‌پذیر نه می‌بود. "آی اس آی" از این واقعیت آگاه بود و مهاجمین را کمک مینمود تا پلهای را در مسیر شاهراه منفجر نمایند ولی شاهراه بوسیله زنجیری از پوسته‌های امنیتی و مدافعین با انگیزه‌های که جهاد را (تروریسم) و خطر جهانی تلقی مینمودند کنترل و دفاع می‌شد که امکان تصرف آن در جنگ میسر نبود و دو فرقه و قطعات مختلف برای دفاع شاهراه می‌جنگیدند.

محاصره منجمد شده یا جبهه بی حرکت:

مدت بعد مجاهدین یک تعرض جدید را از شمال و جنوب شهر جلال آباد براه انداختند، ولی به مقاومت شدید نیرو های دولتی که از حمایت قوی آتش ها توپچی و هوایی بهره مند بودند مواجه گردیدند. در جنگ برای کنترل میدان هوایی جلال آباد مهاجمین در چندین حمله ی شان بخاطر نداشتن تاکتیک و تشریک مساعی ناکام ماندند. هجوم شان بی نتیجه ماند زیرا شورشیان نسبت عدم تطابق تاکتیک های شان با ایجابات یک جنگ متعارف ناتوان بودند. نبرد شان تبدیل به جنگ غیر فعال و محاصره منجمد گردیده بود.

مدافعین جلال آباد تهاجم مجاهدین را با استفاده از خندق ها، بلندآژها، و موانع انجینیری متوقف ساختند. نیروهای دولتی پس از ماه اپریل ابتکار عمل (انسیاتیف) را بدست گرفتند.

سرانجام نیرو های دولتی مهاجمین را مجبور به عقب نشینی نمودند. آنها مهمات و ذخایر احتیاط خود را در ماه می از دست دادند و تلفات سنگینی را در هجوم های شان بر ضد مواضع مستحکم دفاعی نیروهای دولتی متحمل شدند. راکت های استینگر آنها در شروع هجوم شان پایان یافت. آنها که راکت های استینگر را در ۱۹۸۶ از امریکا به دست آورده بودند بخاطر ترس از افتدیند آنها به گروپ های ایرانی در سال ۱۹۸۸ توزیع آن متوقف گردید ولی ارسال سایر تسلیحات بطور لاینقطع ادامه داشت.

در استقامت پوهنتون ننگرهار در درونته ساحه مذکور با موانع و استحکامات نیرو های دولتی مواضع شان را به شکل مطلوب در برابر مجاهدین دفاع مینمودند. در اخیر ماه می میدان هوایی با ظرفیت کامل به دست نیرو های دولتی قرار گرفته بود و اکمالات لوژستیکی توسط هلیکوپتر ها برای شهریان جلال آباد از آنجا تامین میگردد، در ماه می مهاجمین از اطراف و نواحی شهر کاملاً عقب زده شدند، در آغاز ماه جولای تمام پوسته های امنیتی در کمر بند خارجی دفاع شهر بوسیله نیرو های دولتی مجدداً به تصرف درآمد در جریان تعرض متقابل که در ۸ مارچ براه افتید در دهم مارچ نیرو های دولتی سرخ دیوار را دوباره متصرف شدند در ۷ جولای اجیران عرب بن لادن و قطعات سرحدی پاکستان یک تعرض جدید را در حالیکه گروه های پراکنده مجاهدین افغان با آنها ملحق شده بودند براه انداختند آنها توانستند به استقامت سرخورد در جنوب پیشروی کنند از شمال به استقامت دشت گمبیری بالای قطعات سرحدی حمله نمودند آنها قصد داشتند که در چهار استقامت نیرو های دفاعی شهر را مصروف نمایند ولی در هیچ استقامت قادر به شکستادن خط دفاعی نشدند و در نتیجه مقاومت شدید مدافعین به شکست روبرو شدند، جزو تام های کشف نیرو های دولتی، تجمع جنگ جویان عرب و قوت های سرحدی پاکستان را در ساحه جنوب سرخ دیوار، فارم غازی آباد، عقب کوه ثمر خیل و ارتفاع " کیهان " که تا آنوقت در دست مهاجمین بود، کشف نمودند، منطقه مذکور در نتیجه یک بمبارد شبانه قبل از اینکه دست به حمله بزنند تحت ضربه قرار گرفت و پراکنده شدند، با

وجود که آنها تلاش کردند تا حمله نیرو های دولتی را به حمایت توپچی پاکستان دفع نمایند ولی موفق نشدند تا اینکه در اخیر جولای نیرو های دولتی مهاجمین را بطور کامل عقب زدند و تورخم به قبرستان جنگ جویان عرب های القاعده تبدیل گردید.

نیرو های دولتی سرخ دیوار را به تاریخ ۱۰ مارچ دوباره متصرف شدند بقول مارشال الک مهاجمین ده هزار جهاد گر گشته در حدود ۳۰۰۰ نفر زخمی دادند، لیکن تلفات غیر نظامیان قرار اظهار «کاتمن روی» بیشتر بود که بطور تخمینی از دوازده تا پانزده هزار نفر را احتوا میکرد. در سطح یک جنگ متصادف نیرو های دولتی در حدود ۳ هزار کشته داده بودند.

ترکیب مدافعین جلال آباد:

از آلبوم مولف این فوتو به وسیله مولف در جلال آباد در می ۱۹۸۹ در شهر در یکی از قرار گاه ها گرفته شده است در آن یک گروه از قطعات خاص خاد دیده میشود گروه با ریش ها و موهای دراز (که در آنزمان در بین پرسنل قوای مسلح افغان اجازه نبود) نیز قرار دارند که مربوط واحد های مخصوص اوپراتیوی امنیت دولتی بودند.

دیپلوماسی جنگ جلال آباد:

در اسلام آباد، ایالت متحده امریکا و مقامات پاکستانی پلانی را طرح کردند که تنظیم های مختلف مجاهدین حکومت انتقالی افغانستان را تشکیل میدادند. حکومت انتقالی (AIG) باید در یکی از شهر های که مجاهدین قادر به تصرف آن میشدند تاسیس میافت. واشنگتن حکومت انتقالی افغانستان را به حیث حکومت مشروع افغانستان به رسمیت می شناخت و به تمویل و تسلیح آن اقدام مینمود. "سی آی ای" و "آی اس آی"، جلا آباد را بخاطر موقعیت استراتژیک آن بعنوان پایتخت حکومت جدید انتقالی افغانستان که به پایگاه مجاهدین در پشاور، نزدیک بود انتخاب نموده بودند.

حکومت انتقالی افغان نخستین جلسه کابینه خود را در کمپ تربیوی گوریلای شنای (shenai) بتاريخ ۱۰ مارچ چند کیلومتر داخل قلمرو افغانستان، قبل از دعوت ژورنالیستان، دایر نمود. در این جلسه از جمله ۱۴ وزیر ۱۰ وزیر آن اشتراک ورزیده بودند. رئیس حکومت موقت صبغت الله مجددی به خبرنگاران گفت که: (جلسه بعدی در یک نقطه دیگر افغانستان دایر خواهد شد. ما بسوی افغانستان پیشروی میکنیم.)

در جریان درگیری جنگ در جلال آباد رئیس جمهوری نجیب الله پیامی را به میخائیل گورباچف و جورج بوش رئیس جمهور امریکا ارسال نمود و در آن ابتکارات مشترک شوروی - امریکا برای جلوگیری از تشدید تصادم را خواستار شد.

رئیس جمهور نجیب الله در یک یادداشت جداگانه ملل متحد را برای اعزام گروه مخصوص ناظرین در نقاط مختلف در امتداد سرحد با پاکستان، فراخواند و در پیام دیگر عنوانی پریرز دوکویار سرمنشی ملل متحد، متذکر شده بود که هدف اساسی حمله شورشیان در جلال آباد ایجاد یک مرکز برای به اصطلاح حکومت موقت شان میباشد. سی بال طیاره در بهاول پور پاکستان جمع شده بود تا اعضای حکومت عبوری و اکمالات را بداخل افغانستان انتقال بدهند. ملیشه های پاکستانی و مشاورین نظامی نقش مستقیم در جنگ بازی مینمودند. هلیکوپتر های نظامی پاکستانی در غازی آباد شمال شهر جلال آباد، مهمات و راکت ها و مشاورین را پیاده نموده بودند.

۳- درس های محاصره:

از نظر تاکتیکی کمبود تشریک مساعی و شیوه های کار متفاوت بین نیرو ها و سازمان های اشتراک کننده در جریان حمله از یکطرف و از سوی دیگر عدم بکاربرد و بیگانگی با تاکتیک های یک جنگ متعارف عملاً به مشاهده میرسید.

قوت های بنام جهادی به گروه های مختلف تقسیم شده بودند و برای یک مساعی مشترک در فعالیت های شان آمادگی و گنجایش نداشتند. افسران "آی اس آی" هم نتوانسته بودند آنها را بطور موثر متشکل بسازند. در اواسط ماه می هیچ پیشرفتی علیه مواضع دفاعی دولت در جلال آباد نداشتند و با کمبود مهمات روبرو بودند. گروه های مختلف مجاهدین جنگ علیه یکدیگر را شروع نمودند.

جنگ جویان محاذ ملی گیلانی چندین باز با افراد حزب اسلامی حکمتیار تصادم نموده بودند.

تمام هفت تنظیم مجاهدین پشاور، عربهای ابن لادن، حد اقل هشت گروه از قوای سرحدی پاکستان در حمله بر جلال آباد حصه گرفته بودند ولی فاقد یک مرکز قومانده ی واحد بودند و در میان فرماندهان قطعات مختلف شان هم یک هماهنگی وجود نداشت، جنگ جویان یک گروه از اوامر قوماندان گروه دیگر اطاعت نمیکرد. خلاصه تاکتیک ها و استراتیژی های شان در هیچ مرحله هماهنگی نداشت. بین قوماندان ها و رهبران سیاسی در پشاور دوام دار برخورد ها و اصطکاک ها صورت میگرفت.

بر اساس نوشته های دگروال یوسف، امر عمومی آی اس آی، تمام غلطی ها و اشتباهات در پلان گذاری و تطبیق پلان در اکادمی های نظامی طرح گردیده بود آنها چنین فکر کرده بودند که هیچ جنگ بی نتیجه بوده نمیتواند.

یک غلطی یا یک نقص بزرگ در این بود که آی اس آی و رهبران تنظیم ها در پشاور فکر میکردند که میتوانند از یک جنگ گوریلای بیک جنگ تعارفی در تمام مقیاس آن عبور نمایند و در برابر قطعات کاملاً مسلح، مجرب و میهن دوست که دارای یک سوق و اداره ی نیرومند و پتانسیل قوی آتش های ثقیل زمینی و قوای هوایی بودند، یک تعرض وسیع را بوسیله افراد ملیشایی انجام دهند. قوت های گوریلایی هرگز نمیتوانند به یکبارگی در نقش یک اردوی متعارف ظاهر شوند.

انتخاب موقعیت متعرض هم موفقیت آمیز نبود، اشغال بالقوه بخشی از جلال آباد نه موجب سقوط رژیم در کابل می شد و نه آنرا درمانده می ساخت.

تعرض از نظر لوژستیکی هم درست تنظیم نشده بود. تعرض بدون تامین ریزرف ها یا (احتیاط) براه انداخته شد. بعد از انفجار کمپ اجری در پاکستان نزدیک راولپندی در بهار ۱۹۸۸، ذخایر جدید بزودی اكمال نگردید و محموله های که باید از امریکا می رسید از لحاظ زمانی ناوقت رسید و به همین قسم موقعیت مکانی آن نیز صحیح به سنجش گرفته نشده بود. مهاجمین نتوانستند خطوط اکمالاتی مدافعین جلال آباد را قطع نمایند. آنها با راکت های استینگر مجهز بودند ولی نتوانستند در منطقه خواجه رواش و یا بگرام نزدیک پایتخت طیارات اکمالاتی را هدف بگیرند. مجاهدین در سال ۱۹۸۶ به تعداد ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ استینگر را بدست آورده بودند اما بعد از آن بخاطر ترس از بدست افتیدن آن بدست گروه های طرفداران ایران از جانب پنتاگون متوقف گردید و مهمات استینگر های داده شد به اتمام رسید.

با در نظر داشت درسهای استراتژیک، جنگ جلال آباد که یک نقش قاطع در تاریخ افغانستان داشت. اردوی افغانستان مسلکی بودن و تعهد خود را برای نبرد در برابر جهاد گران بدون کمک شوروی مؤفقا به اثبات رسانید، این پیروزی اعتماد به نفس مردم، حکومت و قوای مسلح را تقویت بخشید. مجاهدین از لحاظ نظامی به شدت ضعیف شدند و اعتبار خود را از دست دادند. چندین قوماندان حکمتیار و سیاف به نتیجه رسیدند تا با دولت متارکه نمایند. ناکامی و شکست در جلال آباد پر ستیز و اعتبار پاکستان را نیز پایان آورد. تورن جنرال حمید گل که به این تصور بود که فتح جلال آباد مانند بریدن یک کیک است بلافاصله توسط صدر اعظم پاکستان برکنار گردید و با جنرال شمس الرحمن کالو بحیث رئیس جدید آی اس آی تعویض گردید. جنرال کالو سیاست های کلاسیک را برای حمایت

از جهاد گرایان تعقیب میکرد. جنرال ضیاء الحق او را هم قبل از اینکه طیاره اش در آگست ۱۹۸۸ سقوط نماید، از سمتش برکنار کرد. زیرا ضیاء تشخیص داده بود که کالو هم در دست امریکایی ها است به تند روان اسلامی خوشبینی ندارد

برغم انتظارات غرب و پاکستان، جنگ جلال آباد ثابت ساخت که حکومت افغانستان و قوت های مسلح آن موفقانه بدون حمایت خارج از عهده آن بدر آمدند. پیروزی جلال آباد مورال و اعتماد بنفس نیرو های دولتی را ارتقا داد. با بررسی نتایج فاجعه بار محاصره جلال آباد قوماندان های مجاهدینی که در حمله مذکور سهم نگرفته بودند از جمله احمد شاه مسعود و عبدالحق نتیجه گیری نمودند که مجاهدین توانایی تصرف شهر ها را ندارند. هم چنان آنها به بی نتیجه بودن و تبدیل جنگ چریکی بیک جنگ تعارفی را اشتباه تلقی نموده بودند. در عوض آنها از این نظریه حمایت میکردند که جنگ چریکی به تدریج رژیم را ضعیف خواهند ساخت و سقوط آنها از طریق اختلاف داخلی موجب خواهد شد.

مسعود فقدان یک مرکز قومانده واحد را انتقاد مینمود که در نتیجه آن مجاهدین نتوانستند یک تعرض کوردینه شده و هماهنگ را براه بیندازند. در مقابل دولت توانست قوتهایش را در برابر گروه های پراکنده مجاهدین بطور متمرکز مورد استفاده قرار دهد.

هردوی آنها سیاست های نادرست اسلام آباد را انتقاد مینمودند. هر دو بهانه می آوردند که عوامل اصلی شکست مجاهدین این بود که پلان تعرض آنها در قرارگاه راولپندی بدون مشوره با مجاهدین افغان در چارچوب یک جنگ تعارفی جبهه بی ترتیب گردیده بود.

مسعود با نتیجه گیری از جنگ جلال آباد به نفع خود ساده لوحانه گفته بود (افغان ها هرگز جنگ را نه می باختند اگر قومانده پاکستانی ها را قبول نمیکردند)

پاکستانی ها هم در حصة خود نتیجه گیری های را انجام دادند:

(جهاد در جلال آباد به سر نرسید.) این مطلب را دگروال یوسف مسئول امور مجاهدین در آی اس آی (۱۹۸۳-۱۹۸۷) در کتاب خود که در سال ۱۹۹۲ به نشر رسید اعتراف نموده است. سایر رهبران مجاهدین ارزیابی های مشابهی را انجام داده اند.

(شکست در جلال آباد اعتبار یک دهه جهاد را برباد داد.) اعترافی است از اسماعیل خان قوماندان جمعیت اسلامی در هرات.

سر انجام، استراتژی گروه های جهاد گرا برای براندازی رژیم در کابل بوسیله یک کودتای داخلی رژیم تمرکز پیدا کرد. در ۴ مارچ ۱۹۹۰، وزیر دفاع شهناز تتی به کمک و ارتباط با افراد دو تنظیم مجاهدین، حزب اسلامی و جمعیت اسلامی و حلقه ناراضی حزب دموکراتیک خلق دست بیک کودتای ناکام زد. سران جهادی به این نظر بودند که بدست گرفتن قدرت در افغانستان از طریق کودتا بسیار زیاد آسان تر است تا استعمال قوای نظامی.

با وجود شکست تحقیر آمیز در جلال آباد بعضی قوماندان های مجاهدین مانند جلال الدین حقانی باز هم به پیروزی نظامی معتقد بود و پیشنهادات مصالحه ملی رئیس جمهور نجیب الله را نپذیرفتند.

جنگ جلال آباد مسیر چیزی را که جهاد خوانده میشد تغییر داد. بیشترین مجاهدین قناعت نمودند که پیروزی نظامی در کوتاه مدت فاقد دور نما است. گروه های بیشتر و بیشتر مجاهدین به پروسه مصالحه ملی رئیس جمهور نجیب الله پیوستند. بعضی از آنها سلاحهای شان را بر زمین گذاشتند و یا در کنار دولت قرار گرفتند. در نتیجه کاهش شدید انگیزه های جنگ بعد از حمله جلال آباد فعالیت های نظامی مجاهدین بطور چشم گیری تقلیل یافت. بعضی از آنها مانند دو تنظیم طرفدار شاه، صبغت الله مجددی و پیر گیلانی مواضع انعطاف پذیری برگزیدند.

پس از خروج قوت های اتحاد شوروی با وجود که قوت های مجاهدین برای تسخیر جلال آباد جنگیدند اما نتیجه گیری شان چنین بود که در یک شکست افتضاح آمیز در جریان محاصره، دانستند که مجاهدین بمثابة یک نیروی چریکی شانس آنها ندارند که حتی به کمک نظامی خارجی در برابر قوتهای منظم به پیروزی دست یابند

موخذ و منابع:

الف: مصاحبه ها و اخذ یادداشت ها از فرماندهان شرکت کننده در جنگ جلال آباد.

V. Literature:

1. / AITKINS, Matthieu, "State of the Taliban and the Future of Afghanistan", Secret/Re. ISAF, 9 March 2013

www.gq.com/news-politics/big/nato-report-state-of-taliban-afghanistan

BLURNS, John F. , "Afghanistan Says Airport is Reopened as Battle for Eastern City Continues, New York Times, 1989. márcus 11

www.newyorktimes.com/1989/03/11/world/afghanistan-says-airport-is-reopened-as-battle-for-eastern-city-continues.html?pagewanted=28src

CORDESMAN, Anthony H, "Afghanistan from 2012-2014. Is A Successful Transition Possible?", Centre for Strategic And International Studies (CSIS), 1, 19 June 2012

1. / DORRONSORO, Gilles, Revolution Unending: Afghanistan from 1979 to the Present, (2005), London: Hurst, 413 o.

2. / GUTMAN, Roy, (2008): How We Missed the Story: Osama Bin Laden, the Taliban and the Hijacking of Afghanistan, United States Institute of Peace Press, Washington, 304. o.

3. / KAPLAN, Robert D. (2001), Soldiers of God: with Islamic Warriors in Afghanistan and Pakistan, Vintage Departures, New York, 347 o.

4. / MARSHALL, Alex (2006): Phased Withdrawal, Conflict Resolution and State Reconstruction, Conflict Research Studies Centre, p. 3.

<http://www.defac.ac.uk/colleges/csrc/document-listings/ca/06%2829%29AM.pdf>

5. / PHILLIPS, Jones, "Winning the Endgame in Afghanistan", Heritage Foundation, May 18, 1992,

www.Greenleft.org/au/nede/23708

6. / REBELS WITHOUT A CASE,

www.pbs.org/newshour/bb-asia-july-dec89/afghanistan_08_29.html

7. / RIEDEL, Bruce, "Comparing the U. S. and Soviet experiences in Afghanistan" CTC Sentinel 2, no. 5 (May 2009)

8. / RUBIN, Barnett R. , The Fragmentation of Afghanistan, (2002), New Haven: Yale University Press, 198 o.

9. / STENERSEN, Anne (February 12, 2012), "Mujahidin vs. Communists: Revisiting the battles of Jalalabad and Khost", Paper Presented at COIN in Afghanistan: From the Mughals to the Americans. CSCW Conference, Oslo, Norway, 12-13 February 2012, Security and Defense Policy Research Program, the Royal Norwegian Ministry of Defense,

www.prio.no/utility/Download.ashx?x=228

10. / SZAID Abdul Qudúsz, Szaíd, Dzenrál, Dzsanghá-je Kabul (1371-1375 khursídí,) Kabuli csaták (1992-96), dari nyelven, Aida Orient Books, Bochum, 2009, 391 o. ISBN 978-3-9812502-6-8

11. / THE DEMISE OF THE SOVIET UNION, (1991), Library of Congress, Country Studies

12. / YOUSAF, Mohammed and ADKIN, Mark, (1992) The Bear Trap: Afghanistan's Untold Story, Barnsley: Leo Cooper, 243 o.

۲۰۱۴ ختم، ماه می